

منیره زمانی
کارشناس ارشد آموزش ابتدایی، استان البرز

معلم؛ سگ‌اندار تحول

تحول با گام‌های کوچک
معلم‌ها آغاز می‌شود

معلمان به‌سبب تأثیر برجسته‌ای که در پرورش کودکان و رشد جوامع انسانی دارند، از اقشار مهم هر جامعه‌ای به حساب می‌آیند. همچنین معلمی از آن‌رو که امری انسانی است، از پیچیده‌ترین مشاغل نیز هست. دانش‌آموزان با ویژگی‌های فردی متفاوت و پیش‌آموخته‌های گوناگون ورودی‌هایی هستند که در اختیار معلم قرار می‌گیرند و معلم طی تعاملات پیچیده‌ای که با دانش‌آموزان دارد، سعی می‌کند تحقق اهداف آموزشی را به‌صورت برون‌داد میسر کند. فرایند آموزش و تعاملات معلم و دانش‌آموز سرشار از تصمیمات پی‌درپی و پیچیده‌ای است که معلم باید در هر لحظه با هوشمندی و آگاهی آن‌ها را اتخاذ کند. در عین حال، باید بکوشد این تعاملات و فرایندهای کلاسی را به‌گونه‌ای طراحی و اجرا کند که به‌عنوان بخشی از زندگی برای دانش‌آموزان شیرین و لذت‌بخش باشد.

آنچه را معلم باید بداند، می‌توان در سه بخش کلیدی تفکیک کرد: دانش محتوا، دانش حرفه‌ای و مهارت‌های ارتباطی. دانش محتوا اشاره به تسلط معلم به محتوای برنامه‌ی درسی و ماده‌ی موضوعی دارد. دانش حرفه‌ای شامل دانش تخصصی معلم در زمینه‌ی فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، رشد کودکان و روان‌شناسی تربیتی، روش‌ها و فنون تدریس، شیوه‌های سنجش و ارزشیابی و... است (گیتومر و زیسک^۱، ۲۰۱۵). حرفه‌ی معلمی فعالیتی ارتباطی است؛ ارتباطی مؤثر در زمینه‌ی آموزش که مبتنی است بر توانایی بیان ایده‌ها و دیدگاه‌های خود،

با وضوح و اطمینان و اختصار، و تطبیق دائمی محتوا و سبک خود با کلاس. معلمان باید در حین انجام وظایف خود، با دانش‌آموزانشان نیز ارتباطی مؤثر برقرار کنند و بتوانند با آن‌ها به گفت‌وگو بپردازند. کسب مهارت ارتباط مؤثر از جمله شایستگی‌های عمومی معلم است. این ارتباط شامل





دارند. معلمان در مورد جنبه‌های عملی آموزش و یادگیری، مانند انتخاب راهبردهای آموزشی مناسب و منابع و روش‌های ارزیابی، بینش‌های ارزشمندی ارائه می‌دهند. آن‌ها همچنین در ارزیابی مجدد برنامه‌ی درسی، با توجه به اهداف یادگیری، اطمینان از انسجام و توالی محتوای آموزشی و ایجاد تغییرات لازم براساس ارزیابی‌ها و بازخوردهای مستمر نقش حیاتی دارند.»

لازم است معلمان به شناخت اهداف کلی و جزئی درس‌ها اکتفا نکنند. بلکه اهداف دوره‌های آموزشی را نیز مطابق با سیاست‌های کلان مطالعه کنند تا فهم خود را از مسیر تعلیم و تربیت و رشد همه‌جانبه‌ی دانش‌آموزان، با توجه به تغییرات و نیازها و ملزومات دنیای امروز، گسترش دهند. معلم آگاه، دورنما و چشم‌اندازهای تربیتی را در ساحت جهانی مطالعه می‌کند. این دورنما به معلم یاری می‌رساند، به‌طور مداوم، کار آموزشی روزانه‌ی خود را با این مسیر و چشم‌انداز پیوند بزند. معلم همچنین باید درک جامعی از ارتباط و به‌هم‌پیوستگی مواد موضوعی و محتوای آموزشی داشته باشد، توالی و گام‌های محتوا و ارتباطات طولی و عرضی موضوعات درسی گوناگون را با هم بشناسد و در پیوند با پیش‌نیازها و پیش‌دانسته‌های دانش‌آموزان در زمانبندی مناسب، مطالب را در موقعیت‌های یادگیری مناسب ارائه کند. در این باره توجه به آمادگی دانش‌آموزان برای دریافت محتوای جدید مورد نظر است. این آمادگی هم

آنچه معلمان باید برای تدریس و آموزش بدانند، در قالب چارچوبی که در ادامه می‌آید، نیز قابل ترسیم است. این نمودار شش پرسش کلیدی را برای آموزش و تدریس مطرح می‌کند. شناخت منسجم، عمیق و گسترده‌ی معلم به پاسخ این پرسش‌ها به ارتقای کیفی آموزش کمک می‌کند (نمودار ۱).

معلم باید به آنچه می‌خواهد تدریس کند، وقوف کامل داشته باشد و مواد موضوعی و محتوای آموزشی را به‌خوبی بشناسد. این امر پیش‌نیازی برای آموزش محتوا به فراگیرندگان است؛ اما با توجه به ویژگی‌های دنیای معاصر، کتاب‌های درسی نمی‌توانند تنها منبع برنامه‌ی درسی به شمار آیند. لازم است معلمان به دنبال منابع یادگیری دیگری نیز باشند و بسترهای دسترسی به منابع یادگیری متنوع را چه در فضای کلاس و چه در بیرون از کلاس و مدرسه فراهم کنند. همچنین لازم است آن‌ها از اجرای صرف برنامه‌ی درسی فراتر بروند و به توسعه‌ی برنامه‌ی درسی کمک کنند. در این باره، گاپتا^{۲۳} (۲۰۲۳) می‌نویسد: «معلم می‌تواند نقش مهمی در توسعه‌ی برنامه‌ی درسی ایفا کند؛ زیرا آن‌ها این فرصت را دارند که برنامه‌ی درسی را به تجربه‌های یادگیری معنادار دانش‌آموزان تبدیل کنند. آن‌ها با دارا بودن تخصص و درک جامع از بافت محلی کلاس خود، در شکل دادن و انطباق برنامه‌ی درسی، به‌منظور پاسخ‌گویی به نیازهای یادگیرندگان، نقش مؤثری

تلاش برای درک احساسات، اجتناب از پیام‌های قضاوت‌آمیز و برچسب‌گذاری، استفاده از ستایش دقیق و انعکاس احساسات است (موست^{۲۴}، ۲۰۱۶). علاوه بر مهارت‌های ارتباطی و دانسته‌های عمومی و تخصصی و حرفه‌ای، معلم به یک فراآگاهی در موقعیت و بافت کلاس نیز نیاز دارد تا این دانسته‌ها در موقعیت عملی، به‌نحوی شایسته، با یکدیگر ترکیب و در یک رشته‌فعالیت تعاملی منسجم، به‌سوی تحقق هدف، هدایت شوند.

ولند، هاکسپ و توایتس (۲۰۰۵) دانش اقتصادی را نیز برای معلم لازم دانسته‌اند. دانش اقتصادی دانشی است که معلمان را قادر می‌سازد از طرح درس برنامه‌ریزی شده منحرف شوند یا به ایده‌های دانش‌آموزان پاسخ دهند. آن‌ها همچنین چارچوبی متشکل از چهار جزء را عنوان کرده‌اند که معلمان در تدریس باید بر آن اشراف داشته باشند: اشراف بر ماده‌ی موضوعی در راستای اهداف آموزشی، آگاهی از درک دانش‌آموزان از آن ماده‌ی موضوعی، شناخت رسانه برای آموزش آن ماده‌ی موضوعی و تسلط بر فرایندهای آموزشی ویژه‌ی آن ماده‌ی موضوعی.

در دسته‌بندی دیگری، دانش آموزش به هفت نوع متمایز تقسیم می‌شود: دانش آموزشی عمومی؛ دانش محتوا؛ دانش برنامه‌ی درسی؛ دانش فراگیرندگان و ویژگی‌های آن‌ها؛ آگاهی از زمینه‌ی آموزشی؛ آگاهی از اهداف، مقاصد و ارزش‌های آموزشی (کیتومر و زیسک^{۲۵}، ۲۰۱۵).





با ابزارهای سنجش و تدبیرهای حرفه‌ای خود آشکار سازند تا اثربخشی کار خود را ارزیابی کنند. آن‌ها همچنین نباید از تجربه‌ها، ایده‌ها و ظرفیت همکاران خود غافل باشند. یکی از راه‌های بهبود مستمر رفتارهای آموزشی معلمان، شرکت در گروه‌های رشد حرفه‌ای همکارانه است. این اجتماعات زمینه‌های بسیار مؤثری برای دریافت بازخوردهای حرفه‌ای هستند. اجتماعات یادگیری حرفه‌ای بستر ساز بهره‌مندی از اندیشه‌های جمعی هستند و منجر به بازبینی شیوه‌های آموزشی و بهبود مستمر می‌شوند.

بنابراین با توجه به آنچه ارائه شد، تقویت شناخت و آگاهی به عوامل یادشده برای آموزش و تدریس مطلوب امری ضروری است. تعمیق و گسترش این شناخت پیوند تنگاتنگی با تجربه‌ی عملی معلمان دارد. زمانی که معلمان با هوشمندی و آگاهی سعی در تعمیق شناخت خود از جنبه‌های ذکر شده داشته باشند و با پویایی و یادگیرندگی برای روزآمدسازی دانش و مهارت‌های خود تلاش کنند، خود را در مسیر خبرگی و رشد حرفه‌ای قرار می‌دهند. این معلمان می‌توانند با ایجاد بهبود تدریجی در عمل خود، از یادگیری و پرورش دانش‌آموزان به‌خوبی حمایت کنند و زمینه‌ساز تحولات مطلوب باشند. تحول از همین قدم‌های کوچک مشفقانه و آگاهانه معلمان آغاز می‌شود و با اصلاح رویکردها و شیوه‌های عمل شتاب می‌گیرد. چنین افرادی می‌توانند معلمان تراز تحول باشند.

پی‌نوشت‌ها

1. Gitomer & Zisk
2. Muste
3. Gitomer & Zisk
4. Gupta
5. Felix

منابع

1. Gupta, H. (2023, August, 7). Alternative perspective on the teachers role in curriculum development. Retrieved from <https://elearningindustry.com/alternative-perspective-on-the-teachers-role-in-curriculum-development>
2. Gitomer, D. H., & Zisk, R. C. (2015). Knowing What Teachers Know. Review of Research in Education, 39(1), 153-. <https://doi.org/10.31020091732/X14557001>
3. Felix, U. (2005). E-learning pedagogy in the third millennium: the need for combining social and cognitive constructivist approaches. ReCALL, 17(1), 85–100. <https://doi.org/10.1017/S0958344005000716>
4. Muste, D. (2016). The Role of Communication Skills in Teaching Process. In V. Chis, & I. Albuлесcu (Eds.), Education, Reflection, Development - ERD 2016, vol 18. European Proceedings of Social and Behavioural Sciences (pp. 430434-). Future Academy.

رشد روزافزون فناوری‌های ارتباطی و آموزشی، بسیار گسترده و متنوع شده‌اند. ضروری است معلمان شیوه‌های آموزشی خود را هم‌تراز با رشد فناوری‌های ارتباطی و الکترونیکی ارتقا دهند و از این ابزارها در آموزش و یادگیری بهره ببرند. امروزه، با دسترسی آسان‌تر به اطلاعات شبکه‌ای، رشد نرم‌افزارهای تولید محتوا و توسعه‌ی هوش مصنوعی، معلمان می‌توانند محتوا و شیوه‌های آموزشی خود را غنی‌تر سازند. آن‌ها همچنین می‌توانند، متناسب با سبک‌های یادگیری متنوع، از این ابزارها در کلاس برای تقویت یادگیری دانش‌آموزان بهره ببرند. آن‌ها باید چگونگی استفاده از این فناوری‌ها را بیاموزند و درباره‌ی شیوه‌هایی که می‌توانند، به‌صورت خلاقانه، از این فناوری‌ها در فرایندهای آموزشی خود استفاده کنند، بیندیشند.

استفاده‌ی متناسب از روش‌ها و فنون تدریس گوناگون با توجه به ویژگی‌های مخاطبان، اهداف و موضوعات آموزشی، امکانات و... به بالا بردن کیفیت آموزش و یادگیری کمک می‌کند. معلمان علاوه‌بر اینکه باید روش‌های تدریس گوناگون، گام‌های اجرا و ویژگی‌های مربوط به هر یک از این روش‌ها را بشناسند، باید با واریسی و واکاوی مداوم شیوه‌های عمل خود در کلاس، مداوم در اصلاح و پیرایش رفتارهای آموزشی خود تلاش کنند. این امر در سایه‌ی سنجش و ارزیابی مناسب ممکن می‌شود. از این‌رو، دریافت بازخورد از دانش‌آموزان و همکاران بسیار مهم است. معلمان باید جنبه‌های پنهان یادگیری دانش‌آموزان را

مربوط به پیش‌نیازهای درسی و دانسته‌های قبلی دانش‌آموزان درباره‌ی محتوای یادگیری است و هم به سطح رشد دانش‌آموزان، از نظر ویژگی‌های رشدی و روانی با توجه به سن و سال آن‌ها، مرتبط است. زمان موضوع مهمی است که حتی می‌تواند درباره‌ی طرح پرسش‌های کلاسی و مدت زمانی که برای اندیشیدن به دانش‌آموزان فرصت داده می‌شود، مطرح باشد.

معلمان باید برای شناخت مخاطب خود، بیش از پیش تلاش کنند. علاوه‌بر اینکه باید ویژگی‌های رشدی دانش‌آموزان را در سنین متعدد، چه از نظر شناختی و چه از نظر عاطفی و هیجانی، بشناسند. آن‌ها باید تفاوت‌های فردی و نیازها و انگیزه‌های شخصی دانش‌آموزانشان را دریابند. معلم باید سعی کند روش‌های یادگیری دانش‌آموزان را درک کند و مسئله را از دیدگاه آن‌ها توضیح دهد (فلیکس، ۲۰۰۵). هر دانش‌آموز به‌دلیل تفاوت‌های فردی، پیش‌آموخته‌ها، تجربه‌ها و علاقه‌های متفاوت دنیا را به‌شکلی متفاوت از دیگران دریافت می‌کند. معلم خبره می‌کوشد این ویژگی‌ها را در بستر محیط فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان به‌خوبی درک کند و از این طریق بتواند بهترین کمک آموزشی و پرورشی مورد نیاز را به آن‌ها ارائه دهد. این امر می‌تواند پیوندهای عاطفی میان معلم و دانش‌آموز را تقویت کند و زمینه‌ساز ارتباط بهتر میان آنان باشد. ضمن آنکه همین ارتباط خوب است که بستر مناسب یادگیری و پرورش دانش‌آموزان را فراهم می‌آورد. ابزارها و وسایل کمک آموزشی، با توجه به